

اشاره:

حجه الاسلام محمدمهدی نادری دارای مدرک دکتری مدیریت دولتی، گرایش سیاستگذاری عمومی، در حال حاضر استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی بوده و تالیفات زیادی را در این عرصه نگاشته است. مقاله حاضر که به مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی حضرت علامه مصباح پرداخته است، حاوی نکات خوبی است که توجه شما عزیزان را به آن جلب می‌کنیم.

بررسی مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی حضرت آیت الله مصباح رحمته الله

محمدمهدی نادری



یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مدیریت علامه مصباح یزدی را باید توجه و اهتمام عملی ایشان به مدیریت راهبردی دانست. ایشان از حدود نیم‌قرن پیش، با مد نظر قرار دادن تغییر شرایط محیطی و عوامل اثرگذار بر حوزه‌های علمیه و فعالیت‌های آن، و پیش‌بینی شرایط و وضعیتی که حوزه و نظام اسلامی با آن مواجه خواهند شد، متناسب با هر وضعیت و نیز توجه به فعالیت دشمنان اسلام و انقلاب، برنامه‌های مختلفی را طراحی و اجرا می‌کردند.

شرایط جامعه و زمانه، نظام آموزشی آن روز حوزه نیازمند تغییر و تحولاتی است؛ و در همین راستا با تأسیس مدرسه حقانی، برنامه آموزشی جدیدی برای طلاب تدارک دیده و به اجرا گذاشتند. پس از گذشت ده‌ها سال جو عمومی حوزه‌های علمیه نیز به تدریج به این نتیجه رسید که باید برخی دروس (هر چند به صورت دروس جنبی) به دروس مرسوم حوزه اضافه شود و تغییراتی نیز در برخی متون آموزشی داده شود. این در حالی است که علامه مصباح و برخی دیگر از علما و اساتید فاضل حوزوی، سال‌ها قبل از آن به چنین ضرورتی پی برده بودند.

۲. راه‌اندازی بخش آموزش در مؤسسه در راه‌حق:

در ادامه‌ی همان نگاه تحولی، آیت‌الله مصباح تشخیص دادند که برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدیدی که در آن سال‌ها به وجود آمده بود و یا پیش‌بینی می‌شد، لازم است طلاب حوزه‌های علمیه، غیر از دروس معمول حوزوی، با موضوعات و مباحث دیگری نیز آشنایی پیدا کنند. به همین منظور با پذیرش دعوت هیأت امنای مؤسسه در راه‌حق، دوره آموزشی خاصی را طراحی کردند که در آن، دروس و آموزش‌هایی در زمینه موضوعات و مباحثی هم‌چون فلسفه، معارف قرآن، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، روش تحقیق و... گنجانده شده بود. علامه مصباح به فراست دریافته بود که صرف داشتن معلومات فقهی و اصولی، برای پاسخ‌گویی طلاب به نیازهای داخلی و بین‌المللی زمانه‌ی ما کفایت نمی‌کند و با توجه به تغییر و تحولات رخ داده و پیش‌بینی روند آن‌ها، لازم

امروزه در میان مباحث مربوط به دانش مدیریت، یکی از موضوعات مهم، بحث «مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی» است. دو مؤلفه‌ی مهم در مدیریت راهبردی، یکی توجه به تغییرات محیطی و پیش‌بینی آن‌ها، و دیگری توجه به فعالیت و برنامه‌ریزی رقبا است. در دنیای امروز، سازمان‌ها و مدیرانی که در برنامه‌ریزی و مدیریت خود از این دو عنصر غفلت کنند، توان رقابت را از دست داده و به تدریج به‌طور کلی از صحنه حذف خواهند شد. برای مثال، شرکتی که در زمینه‌ی تولید گوشی تلفن همراه فعالیت می‌کند، اگر به تغییر و تحولات فناوری‌های مربوط به این حوزه و پیش‌بینی آن بی‌اعتنا باشد، و یا چگونگی فعالیت سایر شرکت‌های رقیب در این عرصه را رصد نکند، دیری نخواهد پایید که مشتریان و سهم بازار خود را از دست خواهد داد و عرصه را به سایر رقبا واگذار خواهد کرد. در گذشته‌ای نه چندان دور که عوامل تأثیرگذار محیطی و میزان تغییرات آن‌ها زیاد و شدید نبود، نیاز چندانی هم به مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک احساس نمی‌شد. اما امروزه وضعیت کاملاً متفاوت است و با شرایطی روبرو هستیم که در آن، هم تعداد عوامل اثرگذار محیطی افزایش چشم‌گیری پیدا کرده و هم میزان تغییراتی که در هر یک از این عوامل رخ می‌دهد به هیچ وجه با گذشته قابل مقایسه نیست. با توجه به این وضعیت، امروزه اساساً برای اداره امور سازمان‌ها راهی غیر از مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک وجود ندارد و قطعاً یکی از رموز مهم در بقا و موفقیت سازمان‌ها توجه به مدیریت راهبردی است. با توجه به توضیحات مذکور، یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مدیریتی علامه مصباح یزدی را باید توجه و اهتمام عملی ایشان به مدیریت راهبردی دانست. ایشان از حدود نیم‌قرن پیش، با مد نظر قرار دادن تغییر شرایط محیطی و عوامل اثرگذار بر حوزه‌های علمیه و فعالیت‌های آن، و پیش‌بینی شرایط و وضعیتی که حوزه و نظام اسلامی با آن مواجه خواهند شد، متناسب با هر وضعیت و نیز توجه به فعالیت دشمنان اسلام و انقلاب، برنامه‌های مختلفی را طراحی و اجرا می‌کردند. نمونه‌ها و شواهد این مدعا متعدد و فراوان است که در این‌جا فقط به ذکر چند نمونه از این فعالیت‌ها و اعمال مدیریت راهبردی توسط ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. مشارکت در تأسیس و اجرای برنامه‌های

آموزشی مدرسه حقانی: چند سال قبل از پیروزی انقلاب، آیت‌الله مصباح به همراه برخی دیگر از شخصیت‌های حوزوی، از جمله شهید بهشتی و شهید قدوسی، تشخیص دادند که با توجه به تغییر



مدرسه حقانی قم





تأثیرگذارند و بدون استفاده از آن‌ها اداره‌ی جوامع و تأمین مصالح اجتماعی دچار اختلالات جدی خواهد شد. از سوی دیگر، به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، علوم انسانی تولید شده در غرب، متناسب با مبانی، فرهنگ، ارزش‌ها و مسائل و مشکلات همان جوامع تولید شده، و برای اداره‌ی جوامع اسلامی اگر مضر نباشد، دست‌کم این است که کارایی لازم و کافی را ندارد. از همین‌رو بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره در همان ماه‌ها و سال‌های اولیه‌ی پس از پیروزی انقلاب، مسأله‌ی انقلاب فرهنگی و لزوم تحول و بازنگری جدی در دروس دانشگاهی را در حوزه‌ی علوم انسانی مطرح کردند. در همین راستا آیت‌الله مصباح نیز در همان اوایل پیروزی انقلاب، با آینده‌نگری، ابتدا با راه‌اندازی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سپس بنیاد باقرالعلوم علیه السلام و در ادامه نیز با تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، بخش مهمی از عمر و وقت خود را صرف تربیت شاگردان و محققانی کردند که بتوانند در زمینه تدوین علوم انسانی اسلامی گام‌های اساسی بردارند؛ امری که پیوسته مورد تأیید و تأکید مؤکد رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی نیز قرار داشته و دارد.

۵. راه‌اندازی طرح ولایت: یکی از ایده‌های مرحوم آیت‌الله علامه مصباح یزدی این بود که حفظ ایمان و اعتقادات اسلامی افراد، به‌ویژه جوانان و افراد تحصیل‌کرده، و مصونیت‌بخشی به آنان در مقابل خطرات و شبهات و انحرافات فکری، منوط به تقویت آن‌ها به لحاظ مبانی اندیشه اسلامی است. از همین‌رو و بر اساس منطق خاصی، دوره‌های آموزشی موسوم به «طرح ولایت» را راه‌اندازی کردند. در این دوره مباحثی در ارتباط با معرفت‌شناسی، خداشناسی (هستی‌شناسی)، انسان‌شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست طرح می‌شود. این دوره مورد عنایت خاص مقام معظم رهبری نیز قرار دارد و تا به حال چندین بار در جلسات عمومی و خصوصی بر ضرورت و مفید بودن آن تأکید فرموده‌اند. این دوره ابتدا فقط برای دانشجویان و اساتید دانشگاه برگزار می‌شد و علاوه بر تقویت مبانی اندیشه اسلامی در آنان، یکی از راه‌های عملی برای تحقق ایده‌ی «وحدت حوزه و دانشگاه» نیز به‌شمار می‌رفت و در نزدیکی و تعامل هرچه

است طلاب علوم دینی تا حدودی با برخی مباحث و علوم دیگر نیز آشنایی پیدا کنند. گذشت زمان و تحولات اجتماعی، به‌ویژه با پیروزی انقلاب، درستی و لزوم این آینده‌نگری استاد مصباح را به‌خوبی نشان داد. جامعه و مردم، به‌ویژه نسل جوان، از دهه‌ی پنجاه شمسی به بعد، پرسش‌ها و نیازهایی داشته و دارد که با اتکا به معلومات فقهی و اصولی صرف و رایج در حوزه‌های علمیه نمی‌توان به آن‌ها پاسخ داد.

۳. توجه به لزوم آشنایی طلاب با زبان انگلیسی: یکی از دروسی که در دوره‌های آموزشی مؤسسه در راه‌حق (و پس از آن در بنیاد باقرالعلوم علیه السلام و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله) مورد تأکید و توجه مرحوم آیت‌الله مصباح قرار داشت، آموزش زبان انگلیسی به طلاب بود. ایشان با نگاه آینده‌نگر خود و توجه به تحولات جهانی به خوبی دریافته بودند که آشنایی با زبان انگلیسی یکی از ابزارهای لازم برای بخشی از فعالیت‌های حوزوی است. امروزه، و به‌ویژه تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و همچنین ابداع و گسترش خارق‌العاده فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، درستی این دیدگاه و تصمیم، کاملاً خود را نشان می‌دهد. جالب است بدانیم تأکید آیت‌الله مصباح بر لزوم آشنایی طلبه‌ها با زبان انگلیسی، در زمانی بود که برخی بزرگان حوزه، در خوش‌بینانه‌ترین و بهترین حالت، چنین کاری را لغو و تضييع عمر می‌دانستند، و البته برخی نیز موضعی بسیار تندتر و شدیدتر در مقابل این امر داشتند. البته این مقابله و مخالفت، به زبان انگلیسی محدود نمی‌شد و بسیاری از دیگر دروس دوره‌ی آموزشی مؤسسه در راه‌حق را نیز شامل می‌شد.

۴. پیگیری مجدانه در تدوین علوم انسانی اسلامی: اگر علوم تجربی و طبیعی را ساخت‌افزار اداره‌ی جوامع امروزی بدانیم، علوم انسانی را نیز باید نرم‌افزار آن به حساب آوریم. به عبارت دیگر، همان‌گونه که علوم تجربی، امروزه نقش بسیار مهمی در زندگی بشر و اداره امور اجتماعی دارند، علوم انسانی (نظیر اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم سیاسی، حقوق و ...) نیز به همان اندازه در این مسأله دخیل و



بیشتر و نزدیک‌تر حوزه و دانشگاه تأثیری مهم و به‌سزا داشته و دارد. این طرح نیز که ناشی از آینده‌نگری و تیزبینی علامه مصباح بود در واقع متناسب با تغییر و تحولات محیطی و اجتماعی طراحی شد و گذشت زمان به خوبی نشان داد که چگونه این طرح توانست به سهم و در حد مقدرات خود چه ثمرات مهم و مستمری را در پی داشته باشد. البته این طرح بعدها گسترش پیدا کرد و علاوه بر دانشگاهیان، برای اقشار مختلف دیگر (و از جمله طلاب و حوزویان) نیز به اجرا درآمد و در حال حاضر نیز مرتب در حال گسترش است و در قالب مرکزی به نام «ماب» (مرکز آموزش اندیشه‌های بنیادین اسلامی) فعالیت می‌کند.



۶. راه اندازی کانون طلوع: پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و با روی کار آمدن جریان سیاسی موسوم به اصلاحات در کشور، به یک باره موج عجبی از هجمه و القای شبهات در مورد باورها و ارزش‌های اسلامی و گفتمان رایج انقلاب و آرا و اندیشه‌های حضرت امام رحمه الله شکل گرفت. با توجه به شرایط و وضعیت جدید پیش آمده، آیت‌الله مصباح که پیش‌بینی می‌کرد این مسأله حرکتی مقطعی و کوتاه مدت نیست و سر درازی دارد و کاملاً برنامه‌ریزی شده و با حساب و کتاب است، فوراً برای مقابله‌ی با آن دست به کار شد و کانون موسوم به کانون طلوع را راه‌اندازی کرد. در این کانون که جلسات آن به ریاست شخص مرحوم علامه مصباح برگزار می‌شد، جمعی از اساتید حوزه و شاگردان برجسته ایشان شبهات فکری مطرح شده یا قابل طرح را به بحث و تبادل نظر گذاشته و پاسخ‌های آن را آماده می‌کردند. پیامد این جلسات، اعضای کانون و همچنین شخص علامه قدس سره با حضور در شهرها و استان‌های مختلف کشور، به روشن‌گری پرداخته و با ویروس‌ها و شبهات فکری القا شده از جانب خناسان و کج‌اندیشان مقابله، و گره‌های فکری اقشار مختلف، به‌ویژه جوانان و دانشگاهیان را باز می‌کردند. لازم به ذکر است که کانون طلوع همچنان فعال است و سال به سال نیز فعالیت آن

گسترش یافته است.

علاوه بر موارد مذکور، کارها و فعالیت‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد که نشان‌گر اندیشه و مدیریت راهبردی مرحوم علامه مصباح یزدی است و ذکر و شرح تفصیلی همه‌ی آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد. از نمونه‌ی این فعالیت‌ها می‌توان به اعزام جمعی از طلاب به خارج از کشور برای ادامه تحصیل در رشته‌های مختلف علوم انسانی و تأسیس برخی مراکز و دفاتر اقماری مؤسسه امام خمینی، هم‌چون دانشگاه مجازی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، هفته‌نامه پرتو، مرکز تربیت مربی اخلاق و مرکز مشاوره اشاره کرد.